



Bismillah (Bismillah)

احمد رضا
لا اله الا الله
محمد رسول الله
صلى الله عليه وسلم
وما آتاكم الرسول فخذوه
وما نهاكم الرسول فانتهوا
عنه ذللكم احق ان يسمع
واليعلم منكم انتم
تؤمنون
فلا

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم سیاسی

گرایش روابط بین‌الملل

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آنها در تحقق صلح و امنیت جامعه‌ی
بین‌الملل: فرصت‌ها و چالش‌ها (تأکید موردی صلح سبز)

از:

ماهرخ خادمی

استاد راهنما:

دکتر رضا سیمبر

استاد مشاور:

دکتر معصومه رادگودرزی

شهریور ۱۳۹۳

تقدیم به

آنان که ناتوان شدند تا ما به توانایی برسیم...

مویزانشان سید شدند تا ما رو سفید شویم...

و عاشقانه سوختند تا کرم باخس وجود ما و روسنکر را همان باشند...

ضمن تشکرگزاری به درگاه خداوند متعال که توفیق انجام این پایان نامه را عطا فرمود، بر خود واجب می دانم از زحمات اساتید ارجمند، بزرگوار و محترم جناب آقای دکتر رضا سیمبر و سرکار خانم دکتر معصومه رادکودزی که بزرگوارانه مسؤلیت هدایت، مشاوره و نظارت این پایان نامه را بر عهده داشته اند و بارانه نظرات سازنده بر غنای مطالب افزودند، تشکر و قدردانی نمایم.

همچنین از زحمات اساتید ارجمند و بزرگوار جناب آقای دکتر احمد جانسیر و سید امیرنیا کوبی که در طول دوران تحصیل، همواره اینجانب را مورد لطف و عنایت خود قرار دادند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در نهایت از دوستان عزیزم که به نحوی در تکمیل این پایان نامه مساعدت نمودند، سپاسگزاری می کنم.

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آنها در تحقق صلح و امنیت جامعه‌ی بین‌الملل: فرصت‌ها و چالش‌ها (تأکید
موردی صلح سبز)

ماهرخ خادمی

مسأله امنیت همواره برای بشریت سرنوشت ساز و مهم بوده است. اگرچه معنای آن با گذشت زمان دچار تغییر و تحول شده است. در گذشته بیشتر بعد نظامی امنیت مد نظر بوده و این وظیفه بزرگ را دولت‌ها بر عهده می‌گرفتند. اما امروزه امنیت ابعاد وسیعی را دربر می‌گیرد از جمله سیاست، فرهنگ، اقتصاد، محیط زیست، که دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند نقش مؤثری در تأمین آن‌ها داشته باشند. براین اساس حضور سازمان‌های غیردولتی در کنار دولت‌ها مؤثر می‌باشد. چرا که سازمان‌های غیردولتی از مراکزی هستند که می‌توانند مشارکت‌های مردمی را در حفاظت از منافع مردم جهت دهی و هدایت کنند و از طرفی وجود این سازمان‌ها در عرصه‌ی روابط بین‌الملل می‌توانند مجالی برای حفظ امنیت و توسعه‌ی پایدار بشریت باشد. بنابراین سؤال اصلی این تحقیق این‌گونه است که چرا سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی می‌توانند منجر به صلح و امنیت جامعه بین‌الملل شوند؟ چگونه گسترش سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی می‌تواند به تأمین صلح و امنیت جامعه بین‌الملل کمک کند؟ از آنجا که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به تقویت جامعه مدنی بین‌المللی کمک می‌کنند، وجود این جامعه مدنی در ورای دولت‌ها می‌تواند صلح و امنیت جامعه بین‌الملل را ایجاد کند. همان‌گونه که کارکردگرایان معتقد هستند همکاری در یک بخش باعث همکاری در بخش دیگر می‌شود براین اساس همکاری در زمینه‌ی محیط زیست، درون سازمان‌های مردم‌نهاد همکاری سیاسی را به دنبال خود خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سازمان، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، جامعه مدنی، امنیت ملی، امنیت زیست محیطی.

Abstract

International Non -Governmental Organizations and Their Roles in Achieving International Peace and Security: Chances and Challenges (Case Study: Green Peace)

Mahrokh Khademi

The Security issues have been important and decisive for humanity from the beginning of creation. But the sense of security has changed over the time. In the past, the military aspect of security issue had been emphasized and just governments were responsible for this serious task. But today security encompasses a wide range of different aspects such as, politics, culture, economy, environment in which governments alone cannot have an effective role in providing it. Therefore, International non-Governmental Organizations can be an opportunity for sustaining security and stable development for humanity beside governments. International non-Governmental Organizations are kinds of organizations in which they can conduct public association for the protection of public benefits and with concentrating public and individual efforts can increase efficiency And moreover the presence of this organization in the arena of international relations can be an opportunity for the keeping of the security and permanent development of humankind. So, the main question of this research is that why can the environmental non-governmental organizations bring peace and security for the international societies? How is it possible that the development of the environmental non-governmental organizations will guarantee peace and security for the international societies? Hence the environmental non-governmental organizations are able to strengthen civil international societies, the existence of this civil society beyond the governments can establish peace and security for the international society. Just as Functionalism believe, the cooperation in one section will cause cooperation in the other sections, so on the basis of this theory the collaboration with environment inside the Non-Governmental Organizations will result cooperation in politic arena, too.

Keywords: organizations, Non-governmental Organizations, International Non-Governmental Organizations, Civil Society, National Security, Environmental Security.

امروزه بسیاری از تهدیدات مطرح علیه جوامع بشری از مسائل زیست محیطی سرچشمه می‌گیرند. این تهدیدات، هرچند ظاهری غیرامنیتی داشته و صرفاً تهدیداتی طبیعی جلوه می‌نماید، اما در عمل امنیت جامعه و در نتیجه «امنیت ملی»^۱ کشورهای محل وقوع را تحت تأثیر قرار داده و گاهی آثار و تبعات بسیار بیشتر و چشمگیرتری از جنگ‌ها را به همراه می‌آورند (فیروزی، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۷). تهدیدات زیست محیطی، مرز سیاسی نمی‌شناسد. در بسیاری از موارد آن‌ها نیازمند راه حل‌های فرامرزی و در موارد دیگری که ریشه‌های بومی و منطقه‌ای دارد نیازمند ابداع‌ها و ابتکارهای محلی است. این مشکلات امر مهمی را شکل داده‌اند که امنیت، نمی‌تواند به دست کشورهای منفرد تحقق یابد. برخی حوادث ناشی از مباحث زیست محیطی به گونه‌ای بر امنیت ملی کشورها و مناطق مورد وقوع تأثیر می‌گذارند که آثار و تبعاتی بسیار فراتر و چشم‌گیرتری از جنگ‌ها و مباحث سیاسی را به همراه می‌آورند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

جنگ جهانی به ویژه جنگ جهانی دوم، سبب شد تا ملت‌ها همپا با نوسازی خویش، به تدریج به ضرورت مشارکت در امور مربوط به کشور، حکومت و مسائل زیست محیطی خود پی‌برده و با سازمان‌دهی خویش در چهارچوب‌هایی همانند «سازمان‌های غیردولتی»^۲، نوع همکاری و تعامل با دولت را نهادینه سازند. سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی با ایجاد «جامعه مدنی»^۳، تحقق «دموکراسی»^۴ و مشارکت افراد، توسعه‌ی پایدار انسانی، بر تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. براساس این دیدگاه، حفظ صلح و امنیت زیست محیطی، بدون مشارکت سازمان‌های غیردولتی قابل دستیابی نیست. در این فصل نگارنده اهداف و انگیزه‌های خود را از بررسی نقش سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی محیط زیستی و نقشی که این سازمان‌ها در تحقق صلح و همکاری بین‌المللی ایفا می‌کند بازگو می‌کند و پس از آن ضمن معرفی برخی از آثار قابل توجه که در زمینه‌های مورد بحث این تحقیق از آنها استفاده شده است، سعی کرده است خوانندگان را با تعریف واژگان و اصطلاحات کلیدی مطرح شده در این تحقیق و محدودیت‌های آن، آشنا سازد.

¹ National Security

² Non-Governmental Organizations

³ Civil Society

⁴ Democracy

از زمان شکل‌گیری مفهوم «امنیت»^۱ عنصر زور در آن نقش اساسی ایفا کرده است، تقلیل امنیت ملی به امنیت نظامی متأثر از دیدگاه «ریالیست»^۲ در روابط بین‌الملل بوده است. اما در شرایط جدید امنیت کشورها محدود به امنیت نظامی^۳ نیست بلکه مفهومی جامع و چند بعدی دارد که عوامل متعدد دیگری از جمله ایمنی اقتصادی، فرهنگی، علمی، فنی اطلاعاتی و محیط زیستی را نیز شامل می‌گردد. امروزه تهدید عوامل غیرنظامی، امنیت و پیشرفت کشورها را با چالش‌های تازه‌ای روبرو ساخته‌اند. یکی از مهمترین این تهدیدات بحران‌های زیست محیطی می‌باشد.

اگرچه تحولات دهه‌ی آخر قرن بیستم و حوادث ۱۱ سپتامبر نشان داد که کشمکش نظامی هنوز جایگاه عمده‌ای را در مسائل بین‌المللی دارا هستند اما تهدیدات گازهای گلخانه‌ای و آلودگی‌های زیست محیطی در کنار رکود اقتصادی بین‌الملل چهره ناخوشایندی از دنیا در ابتدای قرن بیست و یکم ارائه می‌دهند. براین اساس حفظ صلح و امنیت زیست محیطی یک چالش اساسی در آینده خواهد بود که برای این چالش باید چاره‌ای اندیشید اینجاست که ضرورت سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی نمایان می‌شود و جود این جامعه مدنی در ورای دولت هاست که می‌تواند از منافع همگانی حمایت کند.

بنابراین وجود سازمان‌های غیردولتی می‌تواند مجالی برای حفظ صلح و امنیت بشریت باشد و در سایه‌ی این سازمان‌ها و نقش مستقیم مردم در سرنوشت مشترک خود می‌توانند به محیطی امن دست یابند و وجود جامعه مدنی این روند را توسعه می‌دهد. بر اساس این دیدگاه، حفظ صلح و امنیت بین‌الملل، حفظ محیط زیست، مبارزه با فقر و بیکاری و حمایت از حقوق اقلیت‌ها مانند زنان و کودکان با حمایت سازمان‌های غیردولتی تحقق می‌یابد.

¹ Security

² Realists

³ Military Security

۱-۳- اهمیت و اهداف تحقیق

پرداختن به صلح و جستجوی راه‌های دست‌یابی به آن، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های بشر در طول تاریخ به شمار می‌رود، سایه‌ی جنگ اغلب بر حیات بشر احساس شده و تهدیدی علیه امنیت بشر محسوب می‌شود، و آنچه در دوران جدید (معاصر) متفاوت از گذشته است و در آستانه‌ی تهدید و نقض صلح به شمار می‌آید: نخست، مسائل و معضلات محیط زیستی می‌باشد که چه بوسیله جنگ و یا چه توسط انسان به شیوه‌های مختلف شکل می‌گیرد که آثار و پیامدهای شدیدی را دربر دارد چرا که سرنوشت مشترک تمام موجودات را به خطر می‌اندازد و این خود عامل بزرگی علیه نقض صلح بشر محسوب می‌شود. گستره‌ی موضوعی دوم این که صلح صرفاً پدیده‌ای بین دولتی نیست، بلکه بین انسانی و بین گروهی می‌باشد چرا که دولت به دنبال منافع سیاسی خود مسائل حقوق بشر دوستانه، و محیط زیستی که صلح را دربر دارد نقض می‌کنند. بنابراین صلح همانند آرمان‌هایی نظیر عدالت و امنیت، یکی از ارزش‌های انسانی شناخته شده در همه‌ی فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و نظام‌های فکری است که در طول تاریخ بشر، انسان‌ها را دل مشغول نموده است.

از آنجا که وجود «سازمان‌های دولتی»^۱ نتوانست منجر به صلح شود، وجود سازمان‌های مردم نهاد در عرصه روابط بین‌المللی تأثیر مثبتی می‌تواند بر ایجاد صلح داشته باشد. اگرچه این سازمان‌ها خود با یک سری چالش‌های روبرو هستند اما می‌تواند با تسخیر «افکار عمومی»^۲ و به چالش کشیدن دولت‌ها در عرصه «روابط بین‌الملل»^۳ و تقویت جامعه مدنی همکاری‌های زیست‌محیطی را به حوزه‌های دیگر گسترش دهند. در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، سازمان‌های غیردولتی همانند بسیاری از پدیده‌های دیگر می‌توانند هم در قالب فرصت و هم در قالب تهدید ظاهر شوند در این میان شکل‌گیری و فعالیت سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری و محیط زیستی در بسیاری از کشورهایی که به طور فزاینده‌ای بر جامعه بین‌المللی تأثیر می‌گذارند و رویکرد فراملی و فرامنطقه‌ای دارند، به چالش کشیده می‌شود.

۱-۴- سؤال تحقیق

سوال اصلی تحقیق این گونه می‌باشد:

- ۱- چرا سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی می‌توانند منجر به صلح و امنیت جامعه بین‌الملل شوند؟
- ۲- چگونه گسترش سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی می‌تواند به تأمین صلح و امنیت جامعه بین‌الملل کمک کند؟

¹ Governmental Organizations

² Public Opinions

³ International Relations

۱- در پاسخ به سؤال اول فرضیه تحقیق بیان می‌کند از آنجا که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی زیست‌محیطی به تقویت جامعه مدنی بین‌المللی کمک می‌کنند. وجود این جامعه مدنی در ورای دولت‌ها می‌تواند صلح و امنیت جامعه بین‌الملل را ایجاد کنند.

۲- در پاسخ به سؤال دوم فرضیه تحقیق بیان می‌کند از آنجای که همکاری در جامعه مدنی در ورای دولت‌ها می‌تواند شکل بگیرد و این همکاری فنی به تدریج به همکاری در بخش‌های دیگر منجر می‌گردد. همکاری در زمینه محیط زیست درون سازمان‌های غیردولتی همکاری سیاسی را به دنبال خود خواهد داشت.

فرضیه رقیب: نهادهای مدنی چندان نقشی در تحقق و تأمین صلح و امنیت جامعه بین‌المللی ندارند.

۱-۶- روش تحقیق

با توجه به توصیفی و تبیینی بودن موضوع، روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق عمدتاً کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب شامل کتب و مقالات مندرج در مطبوعات است. در این زمینه، از مطالبی که در سایت‌های اینترنتی مرتبط با این موضوع انتشار یافته است، در حد امکان استفاده شده است. همچنین روش تجزیه و تحلیل توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

۱-۷- واژگان و اصطلاحات کلیدی

مفاهیم مهمی که به عنوان کلمات کلیدی در این تحقیق مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارتند از: «سازمان»^۱، «سازمان‌های غیردولتی»، «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی»، «جامعه مدنی»، «امنیت ملی»، «امنیت محیط زیستی»^۲

سازمان

سازمان به برآیندی از انسان‌ها و کارها اطلاق می‌شود که مرتب کردن انسان‌ها یا امور به شکل خاصی حکایت دارد (سیف زاده، ۱۳۹۰: ۲۳). سازمان‌ها از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند که از جمله می‌توان به این ابعاد اشاره کرد: سازمان ب- عنوان یک ابزار (سیستم مکانیکی)^۳، سازمان به عنوان یک موجود زنده (سیستم ارگانیکی)^۴ و (سازمان به عنوان یک مجموعه انسانی سیستم اجتماعی) اطلاق می‌شود. در این جا ما سازمان را به عنوان یک سیستم اجتماعی مد نظر قرار می‌دهیم.

¹ Organizations

² Environmental Security Organizations

³ Mechanical System

⁴ Organic System

گروهی از مردم که با روشی رسمی در سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی بایکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و به اقدام دسته‌جمعی می‌پردازند مشروط بر اینکه فعالیت‌های آن‌ها غیرتجاری و غیرخشونت‌آمیز بوده و به نیابت از یک دولت انجام نگیرد (بیلیس، اسمیت، ۱۳۸۳: ۸۲۷).

سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی

«شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد» (اکوسوک)^۱، به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد که در ارتباط با سازمان‌های غیردولتی است، تعریف موسعی از این سازمان‌ها ارائه می‌کند. طبق قطعنامه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ اکوسوک: «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی سازمان‌های هستند که به وسیله معاهدات بین‌دولتی ایجاد نمی‌شوند و شامل سازمان‌هایی هم می‌شوند که افراد منتخب از سوی مقامات دولتی را به عضویت می‌پذیرند مشروط بر اینکه این افراد مانع آزادی عمل این سازمان‌ها نشوند» در ضمن این سازمان‌ها باید در صورت امکان در تعداد قابل توجهی از کشورهای واقع در مناطق مختلف جهان فعالیت داشته باشند (بیگ زاده، ۱۳۷۹: ۲۳).

کنوانسیون مربوط به وضعیت حقوقی اتحادیه‌ها در سطح بین‌المللی (مشمول بر یک مقدمه و ۱۸ ماده) که توسط اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی نگاشته شده است. در ماده دو این کنوانسیون تعریفی که از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (براساس اهداف کنوانسیون) ارائه می‌دهد به شرح زیر می‌باشد: مجامعی با ماهیت خصوصی که فرد یا گروهی از افراد می‌توانند با توجه به شرایط مقرر در اساسنامه در راستای منافع بین‌المللی و بدون انگیزه سودجویانه، به آن‌ها دسترسی داشته باشند. عبارت عدم تعلق به گروه، طبقات، سازمان‌ها، «انجمن»^۲، مؤسسات و غیره با قصد سودجویی در تمام پیش‌نویس‌هایی که تاکنون مطرح شده‌اند، به چشم می‌خورد (سوچینی لیندکر، ۱۳۸۲: ۱۳).

«آژانس بین‌المللی توسعه»^۳ در امریکا به عنوان یک نهاد حمایت‌کننده از سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای دیگر، تعریفی دیگر از این سازمان‌ها ارائه نموده است که از نظر این آژانس سازمان‌های مذکور مردم‌نهاد عبارتند از:

- سازمان‌های که مسائل و مشکلات توسعه همچون فقر یا بی‌اعتنایی به محیط زیست را تجزیه و تحلیل می‌کنند و مناظرات و برنامه‌های آموزش ملی در باب این موضوعات را سازماندهی و اجرا می‌کنند؛

- سازمان‌های که با دیگر سازمان‌ها و افراد منافع مشترکی دارند؛

¹ United Nations Economic and Social Council

² Council

³ International Agency of Development

- سازمان‌هایی که از اصلاحات سیاسی و اجتماعی همچون حفظ امنیت و محیط زیست حمایت می‌کنند؛

- سازمان‌های که از اهداف خاص توسعه همچون خدمات ریزی خانواده یا زیر ساختارهای توسعه حمایت می‌کنند؛

- سازمان‌های که خدمات ارائه می‌دهند. مانند سازمان‌هایی که برای بهبود وضعیت زندگی و معیشت کودکان تلاش می‌کنند (مقیمی، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

جامعه مدنی

جامعه مدنی در معنای عام و کلی به مدنیت و تمدن بر می‌گردد، در تعریف حقوقی مهمترین خصلت جامعه مدنی «نهادینه شدن» قانون در جامعه است، حکومت قانون بر روابط بین افراد در جامعه و بین مردم و دولت است. «جامعه مدنی جامعه‌ای متشکل از گروه‌های ارادی، داوطلبانه، مستقل و خودگردان که با اهداف پیشبرد منافع، علائق و سلیقه‌های افراد عضو تشکیل می‌شوند. این گروه‌ها می‌توانند صنف، اتحادیه، باشگاه، انجمن، سازمان‌های غیردولتی یا غیرحکومتی، حزب، سندیکا و مؤسسات رسانه‌ای از قبیل ناشران، مطبوعات، رادیوها و تلویزیون‌های مستقل را پیدا کنند (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۳). مجموعه این گروه‌ها بر اساس قواعد و مقررات مشخص شفاف و روشن در شبکه‌ای از روابط مبتنی بر روح مسالمت جویی، اخلاق مدنی، مدارا و تساهل، همزیستی و همکاری با یکدیگر به حیات خویش ادامه می‌دهند. تفاوت اعضای این تشکل‌ها با دیگر افراد آن است که «هویت سازمانی»^۱ مشخص پیدا کرده‌اند و این هویت همچون حافظ و نگهدارنده‌ای برای آنها عمل می‌کند.

امنیت ملی

در ابتدا باید واژه امنیت و بعد امنیت ملی را تعریف کرد: امنیت نیاز بنیادین جوامع، افراد، دولت‌ها، شرکت‌ها و هر موجود دیگری است که می‌تواند در «نظام جهانی»^۲ روابطی را برقرار سازد یا فعالیتی را انجام دهد. امنیت انسانی که با جنبه‌های مختلف حیات انسان سروکار دارد: در درجه نخست ناظر به جنبه‌های فردی در زندگی شخصی و خانوادگی افراد می‌باشد. سپس در مرحله دوم جنبه‌های اجتماعی که شامل جنبه‌های محیط زیستی، اقتصادی، ارتباطات و توسعه است را در بر می‌گیرد (جاوید، میری لواسانی، ۱۳۸۹: ۱۵). واژه امنیت ملی در قرن بیستم خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم متداول شده است. به دنبال تولد ملت کشور مطرح شد که ریشه آن به قرن ۱۷ میلادی باز می‌گردد. در آن زمان این مفهوم تحت عنوان "بقای ملی" مطرح شد. البته این مفهوم مانند دیگر مفاهیم علوم انسانی دارای تعریف واحدی نیست. ریشه این عدم اتفاق به برداشت متفاوت افراد، گروه‌ها و کشورها و گستردگی و کلیت اکثر مسائل و ارزش‌های انسانی اجتماعی باز می‌گردد. بر همین اساس و لفرز می‌گوید «امنیت ملی را نمی‌توان به طور کلی تعریف کرد بلکه تنها در موارد مشخص می‌توان آن را تعریف کرد». با این حال در دایره المعارف علوم اجتماعی آمده است: «توان یک ملت برای حفظ ارزش‌های داخلی از تهدیدات خارجی را امنیت

¹ Organization Identity

² Global System

ملی گویند» یا لیپمن محقق آمریکای در تعریف امنیت ملی گفت: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت لزوم به جنگ اقدام نماید» ویژگی‌های امنیت ملی عبارتند از: نسبی بودن امنیت، ذهنی بودن امنیت، تجربه ناپذیر بودن امنیت (بصیری، ۱۳۸۰: ۱۶۸-۱۶۷).

«باری بوزان»^۱ در نگاه جدید خود به موضوع امنیت و تمایز حوزه‌های پنجگانه امنیت معتقد است که چارچوب تازه برای تحلیل امنیت به گونه‌ای است که علاوه بر بخش‌های نظامی سیاسی، سایر بخش‌ها را نیز در نظر بگیرد. این اقدام صرفاً به معنای افزودن وصف اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و ... به واژه امنیت نیست بلکه مستلزم اندیشیدن بسیار دقیق درباره معنای امنیت و بکار بستن نتایج حاصله در طیفی از پویاها است (لطفی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۸).

امنیت محیط زیستی

مفاهیمی چون «دیپلماسی محیط زیست»^۲ و امنیت محیط زیست یک مفهوم استراتژیک نسبتاً جدید است. این مفهوم در سال ۱۹۸۰ به وجود آمده است. ایمنی محیط زیست یکی از نگرانی‌های جامعه بین‌المللی و یکی از موضوعاتی است که مدت‌ها مورد بحث قرار گرفته است. دلایل متعددی برای این مسئله وجود دارد. در مرحله اول، مشکلات زیست محیطی تبدیل به یک موضوع آشکار و جدی‌تر شد و این مسئله نگرانی جامعه بین‌الملل را به وجود آورد. در مرحله دوم، با پایان جنگ سرد بین بلوک شرق و غرب، مسائل زیست محیطی تبدیل به یک عنصر مهم در استراتژی جهانی دو قدرت گشت و باعث شد مفهوم امنیت زیست محیطی در آن برهه زمانی در کنار مفاهیم امنیت نظامی و امنیت دفاع ملی نیز مطرح گردد. در حال حاضر امنیت زیست محیطی یک موضوع دیپلماتیک سیاسی و یک موضوع دانشگاهی نیز می‌باشد، و ادبیات قابل توجهی در مورد آن وجود دارد. امنیت زیست محیطی ملی چهار جنبه زیر را در بر می‌گیرد:

- ۱- امنیت منابع، شامل رقابت برای منابع کمیاب و الگوی جریان منابع و استفاده از آن که باعث نگرانی‌های امنیتی می‌شود.
- ۲- امنیت انرژی، که شامل شناسایی و نگهداری و دسترسی به منبع انرژی لازم برای حمایت از ادامه فعالیت‌های اقتصادی و نظامی کشور می‌باشد.
- ۳- ایمنی محیط زیست شامل تعمیر و نگهداری از سیستم‌های زیست محیطی می‌گردد که احتمالاً نگرانی‌های امنیت ملی را ایجاد می‌کند.
- ۴- امنیت محیط زیستی سیستم‌های انسانی، جوامع زیستی و سیستم‌های غذایی و کشاورزی را شامل می‌شود (Na, 2000).

2-4)

¹ Barry Buzan

² Environmental Diplomacy

۱-۸- محدودیت‌های تحقیق

محدودیت‌های تحقیق آن دسته از عواملی هستند که در مسیر جمع‌آوری اطلاعات و کسب نتایج مطلوب مانع ایجاد می‌کنند. از محدودیت‌های این تحقیق می‌توان به کمبود و حتی فقدان منابع علمی قابل دسترس و استفاده از منابع بسیار کم و محدود به زبان فارسی اشاره کرد که به طور مستقیم به موضوع مورد مطالعه مربوط باشد. استفاده از منابع لاتین خود نیز مشکلات دیگری همچون محدود بودن زمان استفاده از اینترنت در دانشکده و بر گرداندن درست منابع لاتین به فارسی و یک دست کردن آنها را به همراه داشت.

۱-۹- پیشینه تحقیق

- «جان بیلینس»^۱ و «استیواسمیت»^۲ (۱۳۸۳) در کتاب جهانی شدن روابط بین الملل در عصر نوین ضمن اشاره به سازمان‌های غیردولتی به عنوان بازیگران غیرسیاسی معتقدند، بدون دانستن اینکه چه گروه‌هایی در دولت اعمال نفوذ می‌کنند و در رسانه‌ها چه بحث‌هایی در جریان است نمی‌توان سیاست یک کشور را درک کرد و از طرفی مؤلفان، شرکت‌ها و چریک‌ها گرچه به لحاظ نظری غیردولتی هستند، آن‌ها را سازمان غیردولتی نمی‌دانند. علاوه بر این به مقام مشاوره‌ای که در سازمان ملل متحد برای سازمان‌های غیردولتی، اضافه شدن ماده‌ی ۷۱ به منشور سازمان ملل متحد مبنی بر اینکه شورای اقتصادی و اجتماعی با سازمان‌های غیردولتی مشورت نماید اشاره می‌نمایند و در ادامه به بررسی تعریف سازمان ملل متحد از سازمان‌های غیردولتی قابل قبول می‌پردازند.
- «توماس بابیلا ساما»^۳ (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم سازی سازمان‌های غیردولتی: ادامه‌ی جست و جو برای یک تئوری» با یک رویکرد نظری به مطالعه‌ی کیفی سازمان‌های غیردولتی می‌پردازد. ایشان به منظور بررسی ادبیات معاصر سازمان‌های مردم نهاد به مروری بر اسامی مفهومی مختلف سازمان‌های مردم نهاد مانند سازمان داوطلبانه‌ی خصوصی، سازمان غیرانتفاعی پرداخته است. یافته‌های تحقیق ایشان نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت این سازمان‌ها در کشورهای شمال و جنوب هنوز کمبودهای دانش و فهم تئوریک درباره‌ی این سازمان‌ها بسیار زیاد است. از نظر وی علت این امر فقدان تحقیقات سیستماتیک و آکادمیک در مورد این سازمان‌ها می‌باشد. از طرف دیگر از نظر ایشان ادبیات معاصر در مورد این سازمان‌ها سوال برانگیز و مشکوک بوده و به طور کلی همه‌ی انواع سازمان‌های مردم نهاد را یکسان نگریسته است. بالاخره اینکه از نظر ساما سازمان‌های مردم نهاد هنوز به صورت مقایسه‌ای و سیستماتیک به نحوی که تفاوت‌های نمونه‌های مختلف، عملکردها، شبکه‌ها، روابط و اعمال درونی پیچیده این سازمان‌ها با یکدیگر و با سایر بازیگران اجتماعی مورد بررسی قرار نگرفته است. در نهایت اینکه مفاهیم تئوریک مورد استفاده برای تئوریزه نمودن این سازمان‌ها اغلب بر اساس مفروضاتی درباره تفاوت‌های میان بخش عمومی و

¹ John Bylins

² Steve Smith

³ Thomas Babyla Sama

خصوصی قرار دارند و به چستی سازمان‌های مردم نهاد نپرداخته‌اند. در واقع از نظر بایبلا نتیجه مطالعات ایشان مبنایی برای مفهوم سازی بهتر سازمان‌های مردم نهاد در آینده فراهم می‌نماید.

- «مین ژو»^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان مشارکت در سازمان‌های مردم نهاد بین المللی حقوق بشر: تأثیر دموکراسی و ظرفیت دولت، به بررسی اثر دولت بر مشارکت در سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر بین المللی از سال ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۶ با استفاده از مدل افکت‌های تصادفی منفی دو جمله‌ای می‌پردازد. از نظر ایشان مشارکت مدنی در سازمان‌های مذکور پاسخگوی حقوق بشر نیست. نقض حقوق بشر از طرف دولت است. اما این مفهوم (حقوق بشر) همچنین تحت تأثیر محیط سازمانی مهیا شده از سوی دولت است. دو بعد درهم تنیده در درون دولت، دموکراسی و ظرفیت دولت، در توضیح تنوع ملی این مشارکت مهم هستند. ظرفیت قوی دولت‌های بزرگ اثر دموکراسی است. دولت دموکراتیک قوی و کم حجم، مطلوب‌ترین وضعیت را ایجاد می‌کند. دولت قوی اما اقتدارگرا نامطلوب است، زیرا انگیزه و ظرفیت شهروندان خود را برای فعالیت‌های مدنی جهانی مهار می‌نماید. در مقابل، دولت اقتدارگرا اما ضعیف فاقد ظرفیت کافی برای مداخله و در نتیجه مشارکت می‌باشد. با گذشت زمان مشارکت متنوع در میان انواع مختلف دولت‌ها کاهش نیافته است. این مطالعه نقش دولت را به عنوان واسطه‌ی ایجاد تعادل میان شهروندان محلی و جامعه مدنی جهانی و توسعه یک توضیح دولت محور برای مشارکت نابرابر در سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در هم‌هی کشورها را نشان می‌دهد.

- «داوید لويس»^۲ و «نازنین کانجی»^۳ (۲۰۰۹) در کتابی با عنوان سازمان‌های غیردولتی و توسعه، این سازمان‌ها را بازیگرانی پر سر و صدا در زمینه توسعه بین المللی هم به عنوان نهادی برای مشارکت افراد و جوامع داوطلب علاقمند به موضوع و هم روشی برای مبارزه هواداران توسعه دانسته‌اند. این کتاب مقدمه‌ای انتقادی نسبت به دامنه وسیع موضوع سازمان‌های غیردولتی و توسعه فراهم می‌کند، با بحث از تنوع وسیع سازمان‌های مردم نهاد و نقش‌های آنان در جوامع آغاز و بر رشد و گسترش امروزین آنان تمرکز نموده و اهمیت مبارزات آنان در طول تاریخ مانند دوران مبارزات ایدئولوژیکی در راه «نئولیبرالیسم»^۴ را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس به تجزیه و تحلیل چگونگی شکل‌گیری تئوری‌های وسیع‌تر در درون مبحث توسعه توسط سازمان‌های مردم نهاد می‌پردازد و در ادامه به بررسی سازمان‌های مردم نهاد و فعالیت‌های آنان و مطالعه‌ی موردی موارد موفق و ناموفق این سازمان‌ها در جهان می‌پردازد. سپس به اهمیت نقش سازمان‌های مردم نهاد در بحث‌های جامعه مدنی، جهانی شدن و فعالیت‌های کمک‌های بین المللی می‌پردازد. به طور کلی بحث اصلی این کتاب این است که سازمان‌های مردم نهاد برای تئوری‌ها و اعمال توسعه‌ای بسیار اساسی بوده و احتمالاً در سال‌های آتی بازیگران مهمی در این زمینه باقی خواهند ماند.

¹ Min Zhou

² David Lewis

³ Nazanin Kanji

⁴ Neoliberalism

- «دن بروان»^۱ (۱۳۸۱) در کتاب خود با عنوان «بازشناسی امنیت ملی» رابطه روند تخریب محیط زیست و امنیت را بررسی می‌کند. از نظر وی زوال و نابودی سیستم‌های فیزیکی زیستی (زیست‌محیطی) در چهار مورد: شیلات، مراتع، جنگل‌ها و مزارع غلات، را شامل می‌شود او مشکلات آب و هوایی و نیز نگرانی‌های آنها در مورد ارتباط با امنیت غذایی را بیان می‌کند. به عقیده او، قوای نظامی قادر به درک و حل مشکلات به وجود آمده به خاطر رفاه انسان و یا نابودی سیستم‌های زیست‌محیطی نیستند. نه بودجه‌های کلان نظامی و نه سلاح‌های غیرمتعارف قادر به جلوگیری از جنگل‌زدایی و یا بحران آتش سوزی‌های جنگلی نمی‌باشد. او در این کتاب نقش سیر و تحولات جوامع به عنوان عامل تحت فشار قرار دهنده سیستم‌های محیط زیست و پیامد تخریب فیزیکی آنها و در نتیجه رفاه انسان را مرور می‌کند که برخلاف امنیت منابع، مسائل مربوط به امنیت محیط زیست غالباً به طور غیرمستقیم تحت عنوان مطالعات امنیت ملی قرار می‌گیرد و شمول آنها در ذیل امنیت ملی مبتنی بر این پیش فرض است که وقتی آلودگی یا کاهش کیفیت زیستگاه طبیعی انسان بسیار شدید باشد، تهدید آشکاری نسبت به ایمنی و بقای جوامع ملی پیدا می‌شود و یادآور می‌شود که خطرات امنیتی محیط زیست به طور غیر قابل اجتنابی فراملی بوده و آثار آن به فراسوی مرزهای ملی دارای اهمیت اساسی است.
- «عبدالعلی قوام» (۱۳۸۴) در مقاله خود تحت عنوان «سیاست بین الملل و رویکرد زیست‌محیطی» این گونه نقش و رویکرد نظریه‌های روابط بین الملل در محیط زیست را بیان می‌کند: به طور کلی، این امکان وجود دارد که اندیشه‌های زیست‌محیطی و نظریه روابط بین الملل را براساس یک مطالعه بین رشته‌ای مورد توجه قرار داد. امروزه نظریه پردازان روابط بین الملل به نحوی از انحاء با مسائل زیست‌محیطی سرو کار داشته پیوند میان دولت‌ها و جوامع و نیز ایجاد یک جامعه زیست‌محیطی و احترام به محیط زیست این انگیزه را تشدید و دو چندان می‌کند. براین اساس بسیاری از اندیشه پردازان زیست‌محیطی، تخریب محیط زیست را عامل عمده بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی تلقی کرده، از این رو اجتماع سیاسی را دچار خطر می‌بینند. بنابراین ملاحظه می‌کنیم که بوم‌شناسان و نظریه پردازان روابط بین الملل هر دو به سبب توجه به نظم سیاسی و اجتماعی که می‌تواند شامل صلح، امنیت و ثبات باشد، با یکدیگر پیوند دارند. مسلماً هریک از آنها به اشکال گوناگون به پویای نظم اعتقاد داشته و به همین علت، یکدیگر را به خاطر نادیده گرفتن عناصر کلیدی، کمک به حفظ وضع موجود یا ارائه بدیلی که برای جامعه خطرناک است، به باد انتقاد می‌گیرند. این‌گونه انتقادات، به تعاریفی که از نظم بر مبنای قرائت‌های گوناگون که از ماهیت و تاریخ انسانی و مسائل هستی‌شناسی نشأت می‌گیرند مربوط می‌شوند.
- «حمیرا مشیر زاده» (۱۳۹۲) در مقاله «نقش جنبش‌های فراملی در تدبیر جهانی امور زیست‌محیطی» ضمن تأثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی بر سایر کنشگران از جمله دولت‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌های چند

¹ Dan Brown

ملیتی»^۱ و نقش آنها در تسخیر افکار عمومی، کنشگران غیرحکومتی را از عناصر تأثیرگذار و مطرح در تدبیر جهانی امور دانستند. آنها را کارگزارانی می‌دانند که به دنبال ایجاد تغییر هستند که در عین حال، از منافع چندانی هم برخوردار نیستند. منابع مادی آنها بسیار محدود است؛ با وجودی که از سازماندهی بر خوردارند، اما معمولاً «ساختار»^۲ سلسله مراتبی ندارند؛ و از میان اشکال مختلف اعمال قدرت (چه در درون سازمان‌های خود و چه در برابر سایر کنشگران) به اقتناع متوسل می‌شوند. جنبش اجتماعی به عنوان تعامل (رسمی و همین طور غیر رسمی) در میان افراد، گروه‌ها، جمعیت‌ها، شبکه‌ها و سازمان‌هایی تعریف می‌شود که در یک هویت جمعی به منظور ایجاد و یا جلوگیری از تغییر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و رای نهادهای سیاسی موجود شریک هستند.

با اینکه تحقیق‌های زیادی در مورد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و امنیت محیط زیستی انجام شده است، هر کدام به صورت جداگانه به بحث سازمان‌های غیردولتی پرداخته‌اند و یا مبحث امنیت و جنبش‌های زیست‌محیطی را مورد بررسی قرار داده‌اند و تقریباً در هیچ کدام از این تحقیق‌ها به نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی محیط زیستی در تأمین صلح و همکاری نظام بین‌الملل پرداخته‌اند. این درحالی است که صلح و امنیت زیست‌محیطی یکی از مسائل مهم و سرنوشت ساز محسوب می‌شود براین اساس در این تحقیق نگارنده سعی کرده به نقشی که محیط زیست در همگرایی جامعه مدنی در نظام بین‌الملل ایفا می‌کند به پردازد.

۱-۱۰- سازمان‌دهی تحقیق

این پایان نامه مشتمل بر پنج فصل به شرح ذیل می‌باشد. فصل اول با نام کلیات تحقیق شامل بیان مسئله، اهمیت و اهداف تحقیق، سؤال و فرضیه تحقیق، تعریف مفاهیم تحقیق، پیشینه تحقیق، روش تحقیق، محدودیت‌های تحقیق، و سازمان‌دهی می‌باشد. در فصل دوم از چارچوب نظری جامعه مدنی و کارکردگرایی استفاده شده که این چارچوب مبنای تحلیل تحقیق می‌باشد که مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد. در فصل سوم سعی شده پیشینه‌ای از سازمان‌های غیردولتی، ناکارآمدی سازمان‌های دولتی، سازمان‌های غیردولتی و یژگی‌ها و عملکرد آنها، رابطه سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی، همچنین فرصت‌ها و چالش‌های که این سازمان‌ها در پیش دارند مورد بررسی قرار گیرد. نویسنده در فصل چهارم تلاش کرده است که به مسائل زیست محیطی به عنوان یک چالش بزرگ علیه امنیت و همچنین به نقش سازمان غیردولتی صلح سبز در به چالش کشیدن دولت‌ها به عنوان یک عامل نقص صلح پردازد. فصل پنجم نیز به جمع بندی و نتیجه گیری از مباحث ارائه شده اختصاص یافته است.

¹ Multinational Companies

² Structure

۲- فصل دوم:

۲-۱- مقدمه

در این فصل سعی خواهد شد مبانی نظری را که در طول تحقیق مبنای کار ما قرار گیرد را تشریح نماییم. در ابتدا رویکرد کارکردگرایی را شرح می‌دهیم و سپس نظریه‌ی جامعه مدنی را مطرح می‌کنیم. از این دو نظریه در طول تحقیق به صورت تلفیقی جهت تحلیل نقش سازمان‌های غیردولتی محیط زیستی در حفظ صلح و امنیت نظام بین الملل استفاده می‌شود.

۲-۲- چارچوب نظری: کارکردگرایی^۱ و جامعه مدنی

۲-۲-۱- کارکردگرایی

کارکردگرایی یکی از معروف ترین نظریه‌های سیاسی همگرایی می‌باشد. این نظریه با نام «دیوید میترا نی»^۲ در پیوند است که کتاب خود را با عنوان «یک نظام صلح کارآمد» منتشر کرد. زمینه و پیشینه نظریه کارکردگرایی در سنت لیبرال روابط بین الملل از زمان «امانوئل کانت»^۳ آغاز می‌شود. پایه نظریه کارکردگرایی در دیدگاه مثبت نسبت به توانای‌ها و امکانات بشری و تا حدی نسبت به طبیعت نهفته است. کارکردگرایان اولیه بر این باور بودند که جنگ ریشه در تمایلات پرخاشگرانه بشر ندارد، بلکه با چگونگی تعیین پذیری سرشت انسان توسط نظام موجود، ارتباط دارد و نهادها، سنن و باورهای نو الگوهای رفتاری نوین و صلح جویانه‌تری به ارمغان می‌آورند. معتقدین به نظریه همگرایی طبق برداشت کارکردگرایی می‌گویند که در اثر پیشرفت‌های علمی، فنی تکنیکی و افزایش پیچیدگی‌های جوامع کنونی، دولت‌های فعلی قادر به تأمین خواسته‌ها و نیازهای انسانی در چارچوب کشور خویش نمی‌باشند. بنابراین برای پاسخ گویی به این نیازها، همکاری گسترده بین دولت‌ها اجتناب ناپذیر است و این نوع همکاری‌ها خود موجب افزایش عناصر صلح آمیز بین المللی می‌شود. برترین نظریه پرداز این گروه «دیوید میترا نی» می‌باشد وی با این فرضیه شروع می‌کند که نظام بین المللی جدید بایستی جایگزین نظام موجود که مسبب بروز جنگ است، شود و در جستجوی یافتن یک راه حل عملی و جهانی، ایده گسترش همکاری‌های کارکردی را مطرح نمود. دیوید میترا نی در نظریه خود دکتترین «انشعاب» را مطرح می‌سازد که طبق آن همکاری در یک زمینه فنی به تدریج به همکاری در بخش‌های دیگر منجر می‌گردد. یعنی همکاری در یک بخش که در نتیجه نیاز بوده است، خود نیاز به همکاری در بخش‌های دیگر را نیز بوجود می‌آورد. این نیاز به همکاری کشورها، آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و باعث می‌شود که

¹ Functionalism

² David Mitrany

³ Immanuel Kant

فعالیت و تجربه همکاری در زمینه‌های زیست‌محیطی مبنایی را برای همکاری و توافقات سیاسی فراهم سازد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۰).

«نظریه کارکردگرایی» یکی از اولین «نظریه‌های همگرایی»^۱، می‌باشد. طرفداران این نظریه معتقداند که پیچیدگی فزاینده نظام‌های حکومتی، وظایف اساساً فنی و غیرسیاسی حکومت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی را به حدی افزایش داده است که حل آن‌ها مستلزم همکاری فن‌سالاران به جای همکاری نخبگان سیاسی است. این وضعیت به‌گونه‌ای است که ایجاد چارچوب‌هایی را برای همکاری بین‌المللی در قالب سازمان‌های کارکردی ضروری ساخته و می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش وسعت و اهمیت مسائل فنی بشر، شمار و قلمرو این سازمان‌ها نیز افزایش یابد. چنین سازمان‌هایی ممکن است سرانجام نهادهای سیاسی گذشته را منسوخ یا بی‌ثمر سازند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۶۶۶).

از نظر میتزانی، سیستم «دولت-ملت»^۲ و تأکید بر ملی‌گرایی، علت اصلی مناقشات در سطح بین‌المللی است. از این رو، توسعه نهادهای فراملی که محدودیت‌هایی را برای دولت‌های ملی ایجاد می‌کند، می‌تواند نقش مؤثری در برقراری صلح ایفا کند. به عقیده وی، اگر جامعه جهانی به‌طور کارکردگرایانه و با شبکه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی برای تأمین نیازهای مختلف خود سازماندهی شود، تمایل به جنگ و احتمال وقوع آن از بین می‌رود و بشر در راه صلحی دائمی قدم می‌گذارد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۶۶۶).

مطابق تفکر کارکردگرایان، فرایند همگرایی ممکن است از سطوح بین دولتی به فوق ملی آغاز شود. دولت‌هایی که نمی‌توانند به تنهایی از عهده مشکلات برآیند، یا گروه‌های منتفع که در میان مرزهای ملی کشورها قرار دارند، ممکن است سازمان‌های کارکردی ایجاد نمایند. در هر دو، مبنای اساسی رشد سازمان‌ها، در خود مختاری فنی است یعنی اینکه سازمان‌های کارکردی براساس کارکرد شکل می‌گیرند و شاخص‌های سرزمینی یا ملی چندان تأثیری بر شکل‌گیری آن‌ها ندارد. امید کارکردگرایان این است که این سازمان‌ها به ایجاد یک نظام عملی صلح، یک جامعه جهانی فاقد جنگ از طریق ایجاد همبستگی میان دولت‌ها و از طریق حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی (توسعه نیافتگی، فقر، نابرابری) که پایه‌های مادی و روانی منازعه را از بین می‌برد، کمک نمایند. کمترین نتیجه ممکن است ایجاد جامعه کثرت‌گرا متشکل از دولت‌هایی باشد که قدرت حاکمیتشان کاهش یافته و تحت کنترل پیوندهای کارکردی بین الملل هستند. امکان دیگر، محدودیت‌های کشور-دولت‌ها به عنوان واحدهای سیاسی و جایگزینی آنها بوسیله یک نظام اجرایی جهانی است که الگوی سازمانی‌اش از طریق معیار عقلانیت کارکردی تعیین می‌شود (قوام، ۱۳۸۶: ۲۴۸).

¹ Integration Theories

² Nation-State

کارکردگرایی محدود به دولت ملی نمی‌شود و تأکید آن بر نیازهای بشری خارج از مرزهای دولت ملی است و همگرایی منطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی را خواستار است. کارکردگرایان کلاسیک معتقدند «با پیچیدگی فزاینده نیازهای بشری، نیاز به کارشناسان فنی و متخصص است و تنها راه آن ایجاد یک‌سری نهادهای بین‌المللی است و در صورتی که این نهادها وظایف خود را انجام ندهند عدم همگرایی، و در صورت انجام وظایف، تشکیل همگرایی و سرایت آن به دیگر حوزه‌ها وجود دارد» (قوام، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

همگرایی به معنی ترکیب و ادغام شدن اجزا در یک کل است همگرایی هم در درون یک کشور و هم در یک منطقه در میان شماری از کشورها قابل بررسی است. «ارنست هاس»^۱ نظریه پرداز نوکارکردگرا در زمینه همگرایی به متغیر مستقل سیاسی اهمیت می‌دهد. چنانچه رهبران، روند همگرایی را به نفع خود نبینند از وقوع آن جلوگیری خواهند نمود و در صورتی که درک کنند منافع برای آنان و جامعه شان وجود دارد که صرفاً از طریق پیوستن به جوامع فراملی تأمین می‌شود خود را به وفاداری به یک مرجع بالاتر متعهد می‌کنند. کارکردگرایان بر این عقیده‌اند که واحدهای جداگانه سیاسی قادر به تأمین خواست‌ها و نیازهای انسانی در چارچوب بسته خود نیستند؛ زیرا احتیاجات جوامع بشری را باید در ورای مرزهای ملی جست و جو کرد و همین امر، همکاری‌های گسترده‌ای میان دولت‌های ملی ایجاد می‌کند. در این راستا بسط سازمان‌های بین‌المللی که منافع ملی را به سطح منافع همگانی و بین‌المللی ارتقا می‌دهد و دولت‌ها را از پوسته و مدار بسته خود خارج کرده، وارد عرصه همکاری برون مرزی می‌کند، خود عامل عمده‌ای برای کاهش تنش‌جات و استقرار صلح تلقی می‌شود. کارکردگراها یادآور می‌شوند که توسعه و گسترش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف به یک حوزه خاص جغرافیایی محدود نمی‌شود و به واسطه ویژگی‌های نظام بین‌المللی، به صورت الگویی به دیگر مناطق جهان سرایت پیدا خواهد کرد. از این طریق، رفته رفته از اهمیت مرزبندی‌ها کاسته شده، مسائل در سطوح منطقه‌ای و جهانی مطرح خواهد گردید و وفاداری به جامعه بین‌المللی جایگزین برخوردهای تنگ نظرانه ملی گرای می‌شود (قوام، ۱۳۸۶: ۲۴۸).

کارکردگرایی در صدد ایجاد «صلح از طریق کنار هم گذراندن واحدهاست» این کار توسط سازمان‌های فراملی صورت گرفته که عمدتاً به جای تسلیم حاکمیت بر سهیم شدن آن تأکید می‌ورزند. در حقیقت کارکردگرایی از نوعی راهبرد تکاملی از پایین به بالا برای ایجاد پیوندهای همکاری جویانه میان دولت‌ها پشتیبانی می‌کند. طبق نظر کارکردگرایان به جای دیپلمات‌های حرفه‌ای، متخصصان فنی بهترین عوامل ایجاد پیوندهای تشریک مساعی در آن سوی مرزهای ملی به شمار می‌روند. آنان معتقدند که دیپلمات‌ها حمایت آشکار از منافع ملی کشور خویش را به قیمت منافع جمعی انسانی انجام می‌دهند. برنامه صلح کارکردگرایان به جای توجه به منافع فوری ناامنی ملی، به همکاری فراملی در عرصه فنی به عنوان اولین گام در این مسیر

¹ Ernst Haas